

دارالتقريب؛ ميراث تعامل قم و الازهر از آيت الله بروجردی تا شيخ شلتوت!

تقريب مذاهب اسلامي در تاريخ معاصر، تنها تلاشي براي کاهش اختلافات مذهبي نبوده است؛ بلکه کوششي براي گسترش شناخت متقابل، رفع سوء تفاهم هاي تاريخي و فراهم کردن زمينه همکاري ميان مسلمانان بر پايه مشترکات ديني بوده است. تأسيس «دارالتقريب بين المذاهب الاسلاميه» در قاهره، با مشارکت عالمان شيعه و اهل سنت، يکي از مهم ترين تجربه هاي نهادمند در اين زمينه به شمار مي رود. اين تجربه نشان داد که گفت و گو علمي ميان مذاهب، در صورت برخورداری از پشتوانه عالمان ديني و اراده اي پايدار، مي تواند از سطح توصيه هاي اخلاقي فراتر رود و به عرصه آموزش، پژوهش و تعاملات اجتماعي راه يابد.

رفع سوء تفاهم ها؛ نخستين گام تقريب

شيخ محمدتقي قمي، از عالمان و فضاي حوزه علميه قم، از چهره هاي مؤثر در شکل گيري دارالتقريب بود. او با هدف ايجاد ارتباط ميان عالمان شيعه و اهل سنت و فراهم کردن زمينه شناخت متقابل مذاهب، راهي مصر شد و با شخصيت هاي علمي دانشگاه الازهر به گفت و گو پرداخت. پيگيري هاي او و استقبال شماري از عالمان مصري، زمينه تأسيس نهادي را فراهم کرد که هدف آن، نزديک کردن ديده گاه هاي مذاهب اسلامي از مسير گفت و گو علمي و مقابله با تعصبات فرقه اي بود.

در تبين انگيزه خود از اين اقدام، شيخ محمدتقي قمي به محروم ماندن بخش هايي از جامعه اهل سنت از معارف شيعه، بر اثر برداشت هاي نادرست و اتهامات مذهبي، اشاره مي کرد. از جمله اين اتهامات، نسبت دادن پرستش خاک به شيعيان به دليل سجده بر تربت و نيز ادعای اعتقاد آنان به خيانت جبرئيل در ابلاغ وحی بود. اين نمونه ها، از نگاه او، نشان مي داد که چگونه اطلاعات نادرست و داوري هاي مبتني بر تعصب مي تواند مانع شناخت يک مذهب از سوي پيروان مذاهب ديگر شود.

از اين منظر، تقريب پيش از آنکه به معنای توافق بر سر همه اختلافات اعتقادي و فقهی باشد، به معنای فراهم کردن امکان شناخت درست و منصفانه مذاهب از يکديگر است. تأکيد بر مشترکات اسلامي نيز در همين چارچوب معنا پيدا مي کند؛ زيرا همکاري مسلمانان در برابر چالش هاي مشترک، مستلزم آن است که اختلافات مذهبي به مانعی براي ارتباط و تعامل آنان تبديل نشود.

آیت‌ا بروجردی و شیخ شلتوت؛ پیوند مرجعیت و گفت‌وگوی علمی

گسترش فعالیت‌های دارالتقریب با حمایت شماری از عالمان برجسته شیعه، از جمله شیخ مرتضی آل‌یاسین، شیخ محمدحسین کاشف‌الغطاء، سید عبدالحسین شرف‌الدین و آیت‌العظمی سیدحسین بروجردی همراه شد. در این میان، جایگاه علمی و مرجعیت گسترده آیت‌ا بروجردی، به تلاش‌های تقریب‌پشوانه‌ای مؤثر بخشید.

آیت‌ا بروجردی، تقریب را صرفاً اقدامی برای کاهش تنش‌های مذهبی نمی‌دانست؛ بلکه آن را فرصتی برای گسترش شناخت علمی از مکتب اهل‌بیت(ع) و بازنگری در شیوه مواجهه با میراث فقهی مذاهب اسلامی تلقی می‌کرد. ارتباط علمی او با عالمان الازهر، از جمله شیخ مجید سلیم و پس از او شیخ محمود شلتوت، در همین چارچوب قابل بررسی است.

در دوره ریاست شیخ مجید سلیم بر الازهر، مکاتبات و ارتباطاتی میان او و آیت‌ا بروجردی شکل گرفت که از نتایج آن، توجه به آثار علمی شیعه، از جمله تفسیر «مجمع‌البیان» اثر فضل بن حسن طبرسی، بود. پس از درگذشت شیخ مجید سلیم و انتصاب شیخ محمود شلتوت به ریاست الازهر، این ارتباط ادامه یافت و زمینه برای گسترش بیشتر گفت‌وگوهای علمی میان دو طرف فراهم شد.

در روایت‌های مربوط به این دوره، سه اقدام به‌عنوان جلوه‌هایی از رویکرد تقریبی شیخ شلتوت برجسته شده است: توجه به فقه شیعه در محیط علمی الازهر، بهره‌گیری از ظرفیت فقهی مذاهب مختلف در مباحث حقوقی و صدور فتوای تاریخی درباره جواز پیروی از مذهب جعفری.

مهم‌ترین این اقدامات، فتوای شیخ شلتوت درباره جواز تعبد و عمل بر اساس مذهب جعفری بود. اهمیت این فتوا در آن بود که یکی از برجسته‌ترین عالمان اهل سنت، به‌صراحت امکان پیروی شرعی از فقه اهل‌بیت(ع) را به رسمیت شناخت. این موضع، در فضایی که برداشت‌های منفی و اختلافات مذهبی بر روابط میان پیروان مذاهب تأثیر گذاشته بود، اقدامی مهم در جهت تقویت شناخت متقابل به شمار می‌رفت.

مبنای این رویکرد آن بود که اختلاف در استنباط‌های فقهی، به‌خودی‌خود نباید مانع پذیرش ظرفیت علمی مذاهب اسلامی شود. از این منظر، انحصار دانش فقه در یک سنت خاص، بدون بررسی علمی دیدگاه‌های دیگر، با ضرورت شناخت جامع‌تر میراث اسلامی سازگار نیست. فتوای شیخ شلتوت را می‌توان در همین چارچوب، نمونه‌ای از گشودن فضای رسمی برای پذیرش تنوع فقهی در جهان اسلام دانست.

حدیث ثقلین و مبانی نظری تقریب در اندیشه آیت‌الله بروجردی

در تبیین مبانی نظری تقریب از دیدگاه آیت‌الله بروجردی، توجه به مسئله مرجعیت علمی اهل‌بیت(ع) جایگاه ویژه‌ای دارد. آیت‌الله سیدمحمدجواد علوی بروجردی، در شرح دیدگاه‌های آن مرجع شیعه، به این نکته اشاره می‌کند که قرآن کریم برای فهم و تبیین، به سنت پیامبر(ص) نیاز دارد و یکی از مسائل مهم در این زمینه، چگونگی دسترسی به سنت معتبر نبوی است.

بر اساس این تبیین، حدیث ثقلین از جمله مستندات است که در اندیشه آیت‌الله بروجردی برای توضیح جایگاه علمی اهل‌بیت(ع) مورد توجه قرار می‌گیرد. اهمیت این موضوع در بحث تقریب آن است که گفت‌وگو میان مذاهب، تنها به تأکید بر مشترکات عمومی محدود نمی‌شود؛ بلکه می‌تواند زمینه بررسی علمی منابع حدیثی، مبانی استنباط و میراث فکری مذاهب را نیز فراهم کند.

علوی بروجردی همچنین به مکاتبه‌ای از محمد مدنی، از شخصیت‌های علمی و قضایی مصر در آن دوره، با شیخ محمدتقی قمی اشاره می‌کند. بنا بر این روایت، پیشنهاد تدوین اثری که روایات مورد توجه اهل سنت و احادیث اهل‌بیت(ع) را در کنار یکدیگر گرد آورد، با رویکرد علمی آیت‌الله بروجردی همسو بود. چنین پیشنهادی را می‌توان نشانه‌ای از اهمیت تدوین منابع مشترک و فراهم کردن زمینه مراجعه مستقیم پژوهشگران مذاهب مختلف به میراث روایی اسلامی دانست.

از این منظر، تقریب زمانی از استحکام بیشتری برخوردار می‌شود که از سطح ارتباطات شخصی و توافق‌های کلی فراتر رود و در قالب فعالیت‌های علمی پایدار، از جمله تدوین آثار مشترک، بررسی تطبیقی روایات و معرفی منصفانه دیدگاه‌های فقهی و کلامی، دنبال شود.

معرفی معارف اهل‌بیت(ع)؛ از میراث مکتوب تا فضای ارتباطات جدید

یکی از محورهای مورد تأکید آیت‌الله سیدمحمدجواد علوی بروجردی، ضرورت معرفی ظرفیت‌های علمی و معنوی مکتب اهل‌بیت(ع) به مخاطبان فراتر از جامعه شیعی است. در این دیدگاه، آثاری همچون نهج‌البلاغه و صحیفه سجادیه، بخشی از میراث فکری و معنوی اسلام‌اند که امکان ارتباط طیف گسترده‌ای از مخاطبان را با معارف اسلامی فراهم می‌کنند.

این مسئله در شرایط کنونی، با گسترش ارتباطات دیجیتال و دسترسی مستقیم مخاطبان به منابع دینی،

اهمیت بیشتری یافته است. معرفی معارف اسلامی به نسل جدید و مخاطبان غیرمسلمان، مستلزم آن است که آثار معتبر دینی به شکلی دقیق، قابل فهم و متناسب با نیازهای مخاطبان عرضه شوند. در چنین شرایطی، صرف در اختیار داشتن منابع ارزشمند کافی نیست؛ شیوه معرفی، کیفیت ترجمه، دسترسی پذیری و توانایی برقراری ارتباط با پرسش‌های مخاطب نیز اهمیت دارد.

در این چارچوب، تقریب می‌تواند افزون بر گفت‌وگوهای میان عالمان، در عرصه تولید محتوای علمی، ترجمه آثار، توسعه منابع دیجیتال و فراهم کردن امکان دسترسی گسترده‌تر به میراث اسلامی نیز نقش‌آفرینی کند. هدف چنین رویکردی، جایگزین کردن تبلیغ یک‌سویه به جای گفت‌وگو نیست؛ بلکه فراهم کردن زمینه‌ای است که شناخت مذاهب بر پایه منابع معتبر و آگاهی مستقیم از دیدگاه‌های آنان شکل بگیرد.

آخرین دغدغه‌های تقریبی آیت‌ا بروجردی

در روایت نقل‌شده از آیت‌ا سیدمحمدجواد علوی بروجردی، آیت‌ا العظمی بروجردی حتی در واپسین روزهای زندگی خود نیز پیگیر ادامه ارتباط با عالمان مصر و حفظ روند فعالیت‌های تقریبی بوده است. بر اساس این روایت، ایشان در شب پیش از وفات درباره سفر شیخ محمدتقی قمی به مصر و امکان ارسال نامه‌ای برای شیخ محمود شلتوت پرس‌وجو می‌کند. هدف از این مکاتبه، بنا بر نقل یادشده، کمک به رفع مشکلات روابط سیاسی ایران و مصر و جلوگیری از تأثیر آن بر فعالیت‌های تقریب بوده است.

این روایت، صرف‌نظر از جزئیات تاریخی که باید با اسناد و منابع مربوط بررسی شود، بر نکته‌ای اساسی دلالت دارد: از نگاه آیت‌ا بروجردی، روابط سیاسی دولت‌ها نباید به گونه‌ای بر ارتباطات علمی و دینی اثر بگذارد که مسیر گفت‌وگو میان عالمان و پیروان مذاهب مسدود شود.

علوی بروجردی با اشاره به گسترش دامنه ارتباطات و ظرفیت‌های مرجعیت شیعه در روزگار کنونی، بر ضرورت عرضه سنجیده و متناسب معارف اهل‌بیت(ع) تأکید می‌کند. از نظر او، تحولات ارتباطی و گسترش عرصه تبلیغ، فرصت‌هایی تازه برای معرفی این میراث فراهم کرده است؛ فرصت‌هایی که بهره‌گیری از آنها به شناخت مخاطب، انتخاب شیوه‌های مناسب و توجه به اقتضائات زمان نیاز دارد.

تجربه دارالتقریب و ارتباط علمی آیت‌ا بروجردی با عالمان الازهر نشان می‌دهد که تقریب مذاهب اسلامی، برای استمرار و اثربخشی، به سه پشتوانه نیاز دارد: شناخت دقیق و منصفانه از مذاهب، ارتباط

مستمر میان نخبگان علمی و دینی و فراهم کردن بسترهای نهادی برای همکاری‌های پایدار. اهمیت این تجربه تاریخی نیز در همین نکته است که همگرایی اسلامی، نه با نادیده گرفتن اختلافات، بلکه با مدیریت علمی آنها و گشودن مسیرهای ارتباطی میان مسلمانان امکان‌پذیر می‌شود.